



قصاص يك حق

قانونی است و دخالت

برخی افراد بجز اولیای

دم و تحريك اولیای

دم باعث ایجاد برخی

تنش ها و برخورد ها

می شود. این مساله

چند دلیل دارد. اولاً

سلبریتی از شرایط

و فوع قتل، انگیزه های

قاتل از انجام قتل،

شرایط حاکم بر قتل،

وضعیت اولیای دم

و بسیاری از مسائل

مربوط به پرونده قتل

اطلاع دقیقی ندارد،

حال بدون در نظر

گرفتن این شرایط

و انجام ندادن هیچ

تحقیق و تفحصی

اصرار به گذشت

می کند، منطقی

نیست



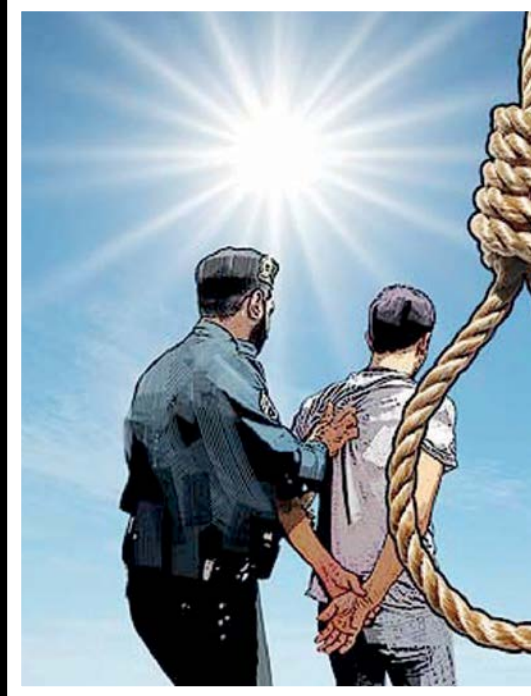
محدوده فعالیت های اجتماعی سلبریتی ها

از دیرباز، بخش عمده فعالیت سلبریتی ها در حوزه فرهنگ بود؛ چراکه در این زمینه کارکرده بودند. تخصص، تجربه و بعضاً تحصیلات آکادمیک هم داشتند. ضمن این که ورود آنها به این حوزه راهگشا بود و حتی می توانستند هنجاری را تعریف یا از آن انتقاد کنند، اما ورود آنها به مباحث حقوق جزا، جرم شناسی و به خصوص بحث هایی از حقوق کیفری که در آن ما با يك مبانی فقهی بسیار قوی مواجه هستیم، باید با چاشنی احتیاط همراه باشد. به طور مثال در بحث يك حادثه تروریستی مانند شهادت سردار سلیمانی، موضع گیری اشخاص دارای پایگاه اجتماعی در شکل گیری رویکرد جامعه می تواند موثر باشد، اما در حوزه مسائل و مباحث خصوصی مانند قصاص، قانونگذار به دلیل رعایت مصالح افراد، حتی حق قصاص را از زن و شوهر به دلیل دخالت ندادن مسائل احساسی و این که اولیای دم یکدیگر محسوب نمی شوند، سلب کرده است. گرچه در قرآن توصیه به گذشت شده است، اما قصاص يك حق قانونی است و دخالت برخی افراد بجز اولیای دم و تحريك اولیای دم باعث ایجاد برخی تنش ها و برخوردها می شود. این مساله چند دلیل دارد. اولاً سلبریتی از شرایط وقوع قتل، انگیزه های قاتل از انجام قتل، شرایط حاکم بر قتل، وضعیت اولیای دم و بسیاری از مسائل مربوط به پرونده قتل اطلاع دقیقی ندارد، حال بدون در نظر گرفتن این شرایط و انجام ندادن هیچ تحقیق و تفحصی اصرار به گذشت می کند، منطقی نیست. البته گذشت خوب بوده و امر پسندیده ای است، اما نه به هر قیمتی و بدون انجام هیچ تحقیقی. این موضوع به قدری حساس است که اگر خانواده مقتول هم در اثر این اصرارها اعلام گذشت کند، ممکن است باعث بیدار شدن حس انتقام جویی در آنان شود. هرچه چهره های تاثیرگذار جامعه در چنین مواردی باید بسیار محتاطانه رفتار کنند، اما در بحث صدمات و جرایم غیرعمدی که در آن انگیزه سازمان یافته قبلی وجود ندارد، مانند گلریزان گرفتن برای زندانیان مالی، فردی که بیمه نامه اش تمام شده است، بیمارانی که درگیر بیماران صعب العلاج هستند و موارد این چنینی، می توانند فعال باشند که بسیار هم پسندیده است.



دکتر میرحامد خانی

حقوقدان



ت سلبریتی ها برای بخشش قاتلان

بازی!

تبعات اجتماعی وساطت سلبریتی ها

در بحث دخالت چهره ها در پرونده های قتل، آنچه بیش از هر چیز به چشم می آید، موضوع انسجام و همبستگی است. به هر حال فردی در دوران نوجوانی، به دلیل نادانی، درگیر شدن با احساسات جوانی و این که درک درستی از شرایط نداشته، مرتکب قتل شده است. حال با وساطت چهره های مشهور و صد البته رضایت قلبی خانواده مقتول، هم گذشت اتفاق می افتد و هم فرد خاطی متنبه می شود. بنابراین معتقدم، حضور چهره های مشهور در پرونده های این چنینی مبارك است؛ چرا که با توجه به جایگاه اجتماعی آنان انتظار داریم از معروفیت و اعتبارشان در جهت انجام اقدامات مفید استفاده کنند که یکی از این کارها، همین بحث پرونده های قتل است. به هر حال اعدام يك جوان هرچند خطاکار، باعث خدشه دار شدن چهره کشور در جهان می شود که از نظر حیثیت بین المللی هم خوب نیست. به همین دلیل، معتقدم پادرمیانی چهره های معروف خوب است که در حل و رفع این مسائل از شهرت و اعتبار خود استفاده کنند. بحث دومی که به آن اشاره کردید و درست هم است، این است که با وساطت این افراد، آیا حقی از خانواده مقتول تضییع می شود؟ قانون به اولیای دم مقتول اجازه داده تا قاتل را قصاص یا از خطای او گذشت کند. با این حال اگر قرار باشد چهره ها در هر موضوع این چنینی دخالت کنند، ممکن است اقدامات هنجارشکنانه در جامعه شیوع پیدا کند، زیرا متخلفان امیدوارند بعد از ارتکاب جرم، اشخاص معروف پادرمیانی کنند و رضایت بگیرند که رواج آن به مصلحت امنیت مردم و جامعه نیست. بنابراین، گرچه به طور قطع حق با پدر و مادر مقتول است و آنها می توانند در مورد قصاص یا گذشت تصمیم بگیرند، اما در مجموع، حضور چهره ها و تلاش آنها برای کسب رضایت و ایجاد يك وجهه مطلوب در جامعه موثر است.



دکتر امان...
قرایی مقدم

جامعه شناس

ولشکر سلبریتی ها



م، ناگهان غوغایی در فضای مجازی به پا شد. چهره های مشهوری مانند ان و بسیاری دیگر با انتشار پست یا استوری در چند روز متوالی از خانواده

بیش از حد استوری ها و پست ها در حمایت از آرمان، بسیاری از کاربران به ی از این چهره های مشهور به خانه مادر غزاله رفتند و با او صحبت کردند تا ای با چوبه دار ندارد، به پای مادر غزاله افتادند تا پسرشان را ببخشند. مادر چنین از سلبریتی ها خواست در این مدت مزاحمش نشوند.

جلب رضایت به دور از هیاهو

جنایت در نقش قربانی ظاهر می شود و افکار عمومی اولیای دم را به سمت اجبار به گذشت از حششان می برند. گاهی نیز این چهره های موج ساز فضای مجازی پا را فراتر از قانون و واقعیت می گذارند و قاتل را مستحق مرگ می دانند. تجربه پرونده هایی مانند سینا (معروف به قاتل نی زن) و ریحانه جباری، نشان داده این نوع رفتارها و موج سازی ها نه تنها هیچ کمکی به قاتل نمی کند، بلکه اولیای دم را مصر به اجرای حکم می کند. نگاهی به سال هایی نه چندان دور نشان می دهد، همیشه روش های کدخدایی بیشتر از فضا سازی های مجازی پاسخگو بوده و اولیای دم در فضای آرام و به دور از هیاهو، با پادرمیانی بزرگان رضایت خود را اعلام کرده اند.

قرار می دهد. نکته دیگری که درخصوص بخشش باید به آن اشاره کرد، رضایت قلبی صاحب حق است و نباید تحت تاثیر تهدید یا اکراه باشد. در چند سال گذشته موج هایی برای جلب رضایت اولیای دم در پرونده های قتل به راه افتاده که تبعات خوبی داشته است، موج هایی که تنها هدفشان نجات يك قاتل پشیمان از مجازات مرگ و بازگشت او به زندگی است. حال گاهی این حرکت ها با احساس همراه می شود و این رفتار احساسی باعث بسته شدن چشم در برابر واقعیت ها می شود. در اینجا رنجی که اولیای دم در غم از دست دادن عزیزشان دیده اند، فراموش می شود و گاهی جای قاتل و مقتول عوض می شود. طوری که با اجرای حکم قصاص، عامل

مجازات با عنوان عهده قربانی یا ی اولیای دم قائل ه است. طوری که ت به ویژه در حال کسانی که در حال ت می بندند، درود بکو مورد تشویق